



# ماښامه آگاهي حقوقي

ارگان نشراتي وزارت عدليه جمهوري اسلامي افغانستان

سال نهم \* شماره ۱۴۹ \* ۳۰ عقرب ۱۳۹۴ \* 2015 \* 20 \* NOVEMBER

## ملاقات متخصص محافظت اطفال يونيسف با جلالتمآب محترم وزير صاحب عدليه



پروژه سه شنبه مورخ ۱۳۹۴/۸/۱۹ آقای نجیب الله هیمیم متخصص محافظت اطفال دفتر یونیسیف با جلالتمآب محترم داکتر صاحب عبدالصغیر انور وزیر عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان در دفتر کارش ملاقات نمود. نخست هر دو جانب روی طرح قانون جامع اطفال و رهنمود تطبیق کنوانسیون حقوق طفل صحبت نمودند. سپس روی تسریع روند امور در پروژه چابکد اکت و مشکلات و موانع در پروژه یاد شده تبادل نظر صورت گرفت که جانب یونیسیف در زمینه غنایندی طرح قانون جامع اطفال همکاری مجدد خود را اعلان نمود. در اخیر پیرامون یک سیر علمی جهت غنایندی بیشتر قانون جامع اطفال در یکی از کشور هاییکه تجربه خویرتر در زمینه حقوق اطفال داشته باشد، صحبت شد و گفته شد که کشور مورد نظر باید به مشوره هر دو جانب انتخاب گردد.

## عرف در اجتماع

تبع و نگرش: دردانه نظری

عرف و عادات رایج و مشهور در میان مردم معتبر بوده و در اجتماع اهمیت خاصی خود را دارد که در تناقض با شریعت و قانون نبوده باشد این گونه عرف می تواند پایدار مانده و اهسته آهسته در بین مردم رایج شده طوریکه خواسته های معقول و پسندیده جامعه را پاسخ گو بوده و حالت الزام را بخود اختیار می نماید.

### عرف در لغت

در لغت عرف به معنای جوده احسان و نیکو کاریست یا به معنای چیزی که در ذهن شناخته شده و مانوس و مقبول خردمندان باشد بکار رفته است. به عبارت ساده تر باید گفت که عمل متکرر در قول و فعل عرف نامیده شده است.

### عرف در اصطلاح

عرف در اصطلاح عبارت از روش دوامدار و مستمر است که در گفتار و یا رفتار یک قوم ایجاد می گردد. اندیشمندان ائرا عادت و تعامل نیز نامیده اند لازم نیست که همه افراد ان قوم ان شیوه و روش را داشته باشند تا عرف محقق شود بلکه کافی است که اغلب انان دارای روش مزبور باشند عرف تحقق یافته و این نوع عرف را عرف غالب گویند و در صورتیکه عرفی در بین همه یک قوم رایج گردد انرا عرف شایع نامند.

از مندرجات ماده یک قانون مدنی استنباط می گردد که در حالانیکه حکم قانون وجود داشته باشد اجتهاد جواز ندارد، در مواردیکه حکم قانون موجود نباشد محکمه مطابق به اساسات کلی فقه حنفی شریعت اسلام حکم صادر می نماید.

با مطالعه متون فوق مشاهده می گردد در صورتیکه قانون صراحت داشته باشد اجتهاد جواز ندارد و در مواردیکه قانون مسکوت باشد مطابق فقه شریعت اسلام در رابطه به موضوع حکم صادر می گردد. الب گویند و در صورتیکه عرفی در بین همه یک قوم رایج گردد انرا عرف شایع نامند.

ادامه در ص/ ۲۱

## په اسلامي نظام کی عدالت خصوصیت

صح و نگرش: بشیر احمد عربی

عدالت د اسلام له هغو بارزو خصوصیاتو څخه دی چه د اسلام مقدس دین ورته د ژوندانه په چوکات کی پوره اهمیت ورکړی او د عدالت په مقتضی د عمل کولو عوینته یی کړی.

برابره خبره ده چه دا د قریب په نسبت وی او که د بعید په نسبت د وست او یا د دینمن په نسبت وی دا که په محکمه کی وی او یا په بازار کی په دولتی چارو کی وی او یا حتی په هغو حقوقي چارو کی چه پلار یی حتی خپل خوی ته هم نه ورکوی د قرانی نصوصو څخه د عدالت په رابطه ډیر دلایل شته چه څو مثالونه یی په لاندی توگه وړاندی کوم :

ژباړه : په تحقیق سره الله تاسو ته امر کوی چه امانتونه خپل اهل ته وسپاری او کله چه د خلکو تر مینځ فیصله کوی تاسی فیصله په عدل سره وکړی .

پیغمبر (ص) فرمایي : ماته د الله له طرفه امر شوی ده تر څو دتاسو تر مینځ عدل وکړم. عدالت وکړی چه عدل کول تقوا ته ډیر نژدی دی .

په تحقیق الله ج تاسو ته په عدل او احسان کولو او خپلوانو ته په ورکړی سره امر کوی .

ادامه در ص/ ۲۱



عرف در اجتماع

عرف در جامعه نقش موثر و بارز خود را دارد چنانچه جایگاه آنرا بعد از قانون و شریعت در ماده دوم قانون مدنی ذیلاً مطالعه می کنیم: در مواردیکه حکمی در قانون و یا اساسات کلی فقه حنفی شریعت اسلام موجود نباشد، محکمه مطابق به عرف عمومی حکم صادر می نماید، مشروط بر این که عرف مناقض احکام قانون یا اساسات عدالت نباشد.

حدیثی معتبری وجود دارد که حضرت عایشه (رض) از پیامبر خدا در باره عسرف و عادات روایت نموده است: هتد مادر معاویه برای پیغمبر خدا گفت: ابو سفیان شخص بیخالی است آیا به من نگاه خواهد شد از مالش به طور پنهانی استفاده نماید؟ فرمودند: به اندازه کفایت خود و بچه های خود طور متعارف استفاده کن. در حدیث متذکره دیده می شود که اجماع امت به حجت عرف عملی اذعان و یاور دارد. در این حدیث از قول رسول خدا استنباط می شود که هر خانم می تواند از مال شوهرش به قدر کفاف بدون اجازه وی بر دارد طوری که این امر به عرف عملی مبدل شده است.

**شرایط عرف:**  
عرفی که مورد قبول اندیشمندان حقوق و مردم جامعه واقع می گردد باید یک سلسله شرایط خاص خود را دارا باشد که به آن خصوصیات ذیلاً اشاره می کنیم:  
۱- عرف باید پایه دار و مستمر در بین غالب مردم جا داشته باشد. این شرط در عرف لفظی و عملی، عام و خاص مورد تطبیق قرار می گیرد.

۲- عرف مخالف قرار داد عاقدین نباشد امام سیوطی می گوید: عرفی که لفظ معبر آن است، عرف مقارن سابق باشد، نه عرف متاخر  
۳- عرف مخالف نص یا اصل قطعی شرعی نباشد.  
۴- عرف باید متعارض حکم صریح واقع نشود این شرط قید اساسی قاعده بالاست.

اگر به متون اسلامی مراجعه شود مشاهده می گردد که عرف توانسته است به عنوان یک عنصر موثر در قلمرو شریعت مطرح و موثریت خود را در مسایل اجتماعی داشته باشد.

**انواع عرف:**

در مجموع عرف را به سه دسته تقسیم نموده اند:

**اول:**

**الف- عرف عام**

عرف عام عبارت از روش و طریقه متکرر است که به یک قشر و طبقه اختصاص نداشته باشد و متعلق به عموم مردم باشد. مانند بیع دست به دست، سنجش نفعه خانم که به اندازه توانمندی شوهران سنجیده می شود، سکوت دختران باکره در اوقات اجازه اولیا در قسمت ازدواج که این سکوت علامت رضایت آنها تلقی می گردد و ... در این گونه مثالها عرف متعارف در نظر گرفته می شود چون حکم عرف عام و بر عموم شهروندان تعلق می گیرد.

**ب- عرف خاص**

عرف خاص صرف متداول در محل معین بوده و یا به قشر و طبقه خاص مانند اهل صنعت و پیشه خاص تعلق دارد مانند عرف بین تجار، گاهی آنرا عرف صنفی هم می گویند عرف قضایی هم از نوع عرف خاص محسوب شده است.

**ج- عرف در شوع:**

عبارت از مصطلحات شرعی است مانند نماز، زکات، حج و غیره.

**دوم: الف- عرف عملی:**

عرف عملی مانند بیع (معاطات) که در همه جا متداول بوده و احتیاج به ایجاب و قبول عاقدین ندارد، تقسیم مهر به معجل و موجل در بین مردم رایج است

طبق عرف عملی به طور مثال خانمها یک بخش یا تمام مهر خود را از شوهران نگیرند در شب زفاف حاضر نمی شوند.

**ب- عرف قولی:**

مانند لفظ فرزند در همه کشورها اطلاق آن به پسر و دختر مشترک می شود یا مانند نام رادیو، تلویزیون، کمپیوتر، انترنت، این نامها همه جا متعارف هستند.

**سوم:**

**الف صحیح:**

**- عرف فاسد:**

هر نوع روش و طریقه که متعارض با اصول شرع باشد عرف فاسد نامیده می شود مانند محافل رقص و پاکبوسی، موسیقی های امیخته با رقص و بازی در عروسی ها، هتل و رستورانها و ... جواز ندارد.

**مثالهای تطبیقی عرف:**

۱- هرگاه شخصی در یک موثر نکسی از یکجا به جای دیگری رفت و اجوره آنرا تعیین نکرد اجرت آن حسب عرف و عادت تعیین می گردد.

۲- شخصی یک تکه ای را برای خیاط غرض دوختن لباس می دهد در این حالت تار، دکمه، و سایر مواد مورد ضرورت در خیاطی حسب عرف بر خیاط لازم است که تهیه نموده و لباس را آماده کند و لو اینکه در عقد از آن ذکری به عمل نیامده باشد.

۳- اگر دو نفر تاجر چیزی را خرید و فروش کردند در آغاز عقد در باره نقد یا نسیه بودن آن ذکر نشده هر چند حساب خرید و فروش ایجاب پرداخت بدل بیع را تقاضا می کرد اگر در بین تاجر معروف بود که پول بعد از یک هفته و یا یک ماه تادیه شود بر مشتری لازم نیست پول را نقد بپردازد زیرا چیزی که عرف باشد اجرا شده و قابل پذیرش است.

۴- در تمام مکاسب و مشاغل چه مهندسی باشد یا تجاری، عیازی و یا رنگمالی نهیه و تدارک اسباب حرفه و پیشه به ذمه اهل کسبه است. و طبق عرف و عادت متعارف، حکم جاری می گردد.  
۵- در منجبه الاحکام تذکر یافته است "برای مستاجر لازم نمی گردد که اجیر را طعام بدهد مگر آنکه عرف شهر چنان باشد".

از طرفی ماده ۷۲۰ قانون مدنی در مورد عرف چنین صراحت دارد: "آنچه در عرف معروف باشد مانند آنست که شرط گذاشته شده باشد."  
از مطالب فوق استنباط می گردد که عرف در زندگی اجتماعی ما از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد طوری که بعد از قوانین نافذ و احکام شریعت اسلامی به عنوان منبع سوم از اصدار حکم پنداشته شده و در صورتیکه قوانین در مورد موضوع مورد نظر سکوت کرده و در شریعت نیز حکمی در آن زمینه موجود نباشد عرف می تواند منبع صدور حکم قرار گیرد. زیرا در بسیاری از موارد دیده شده که مردم در معاملات خویش بدون در نظر گرفتن عقد و یا شرط و شروط معینه یا تکیه بر عرف معاملات خود را تنظیم می دهند. در باره از موارد اگر با کدام مشکلی بر خورد نمایند با مراجعه به عرف حل مفصل می کنند.

چنانچه ماده ۷۲۱ قانون مدنی در زمینه چنین تصریح می دارد: "عادت عام باشد یا خاص مدار حکم قرار داده می شود."  
هنگذا ماده ۷۲۲ قانون مدنی ذیلا حکم می دارد که: "عادت وقتی اعتبار دارد که عمومیت یا اقلیت داشته باشد اعتبار به اقلیت شایع داده می شود نه اقلیت نادر." پس در عرف اقلیت شایع مد نظر است و به اساس آن حکم صادر شده و مورد قبول مردم جامعه واقع می گردد.

منابع و ماخذ:  
قانون مدنی  
منجبه الاحکام  
قواعد کلیه فقهی از پوهنوال سلطان شاه سلطانی

به اسلامی نظام کی دعدالت خصوصیت

اسلامی نظام نه یواخی چه په یو خاص مورد داسی فرمایي:

کي د عدالت غوښتنه کي بلکه د ژوندانه په ټولو چارو کسي د عدالت غوښتونکي دي چه په لنډ ډول د ځينو مواردو چه عدالت په کي مطلوب گرځول شوي يادونه کوم.

په فعلی امورو کښي: اي مومنانو په عدل باندی بشپړ قايم اوسي اگر که دا کار ستاسي د مور او پلار او يا مو د خپلوانو په تاوان تمام شي.

په قولی امورو کي: کله چي وينا کوي نو په وينا کي عدالت وکړي اگر که يوله طرفينو ستاسي خپلوان هم وي.

په مالی امورو کي: د تاسو تر مينځ دي ليکونکي په عدل سره ليکنه وکړي (و ليملل وليه بالعدل)

په سياسي چارو کي: کله چه تاسي فيصله کوي نو په عدل سره فيصله وکړي  
په قضايی امورو کي: گواهي د ورکړي دوه د عدل خاوندان د تاسو څخه. گواهي ورکړي خاص دخداي درضا لپاره

د دشمنانو سره عدل: د مشرکانو سره تر هغه و جنگړي تر څو چه فتنه پاتي نشي او دين بشپړ يواخي الله لره شي نو که دوي منع شول بيا تيري نشسته مگر په ظالمانو همدارنگه الله ج مسلمانانو ته تحذير آ



## د بشری ژوندانه ...

## نقش عرف ناپسند ...

به هر صورت اعضای جرگه های محلی و شوراهای قومی هر گونه اشخاصی که باشند وقت که این گونه فیصله می کنند به وضوح شریعت اسلام و قانون اساسی، قان مدنی، قانون منع خشونت علیه زن و همچنان سایر قوانین نافذ کشور را نادیده گرفته است.

قانون منع خشونت علیه زن در فقره نه ماده پنج بد دادن را از موارد خشونت علیه زن شمرده و انرا جز اعمالی جرمی محسوب نموده است و فقره چهار ماده سوم قانون مزبوردر مورد بد دادن ذیلا صراحت دارد:

بد دادن به شوهر دادن زن است در بدل دیت یا صلح به ارتباط قتل، تجاوز جنسی یا سایر احوال به پیروی از رسوم، عرف و عادات ناپسند.

به همین ترتیب ماده ۲۵ قانون مذکور در مورد مجازات عاملین و مرتکبین جرم بد دادن چنین مشعر است:

"۱- شخصی که زن را به نام بد دادن به نکاح بدهد یا بگیرد، مرتکب حسب احوال به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد محکوم می گردد.

۲- در حالت مندرج فقره یک این ماده اشخاص ذیدخل (شاهد، وکیل، مصلح و عاقد) هر یک حسب احوال به حبس متوسط، محکوم و عقد نکاح در صورت مطالبه زن بد داده شده مطابق احکام قانون فسخ می گردد."

در نهایت می توان امیدوار بود که ارگانه های عدلی و قضایی کشور اگر سعی دارند که مصالحه و میانجیگری یعنی عدالت سنتی در اجتماع ما نقش موثر در حل و فصل دعوی داشته باشد و از طرفی هم از انباشته شدن دوسیه ها در محاکم جلوگیری به عمل آید باید که شوراهای قومی و جرگه های محلی را طور تقویت نمایند که برای آنان آموزش دوره ای قوانین نافذ را تدویر نموده و از نظر شرعی نیز سطح معلومات آنان را گسترش دهند تا اعضای شوراهای و جرگه ها بتوانند در پرتو شریعت اسلامی و قوانین کشور به حل و فصل دعوی بپردازند.

در اخیر متذکر می شویم که نقش شوراهای و جرگه ها در حل و فصل مناقشات خانوادگی از موثریت خالی نبوده و مسایل خانوادگی از جهت مهم تلقی می شود که شیرازه کانون خانواده با هر بگو مگوی از هم نباشد زیرا تربیت فرزندان در کنار والدین به ویژه مادر در اولویت قرار دارد.

منابع و ماخذ:

قانون مدنی

قانون منع خشونت علیه زن

کتاب راهنمای خانواده در افغانستان از انتشارات ان ارسی هیأت ناروی.

در کشور ما بسیار از منازعات هم جنبه جنایی دارد و هم جنبه حقوقی، برای جلوگیری از تیره شدن روابط و محو خصومت میان اصحاب دعوا در خانواده، بین دو اقوام، و ... با هدف آرام نمودن تشنج و تسلیت طرف متضرر است. معمولاً اعضای شوراهای و جرگه ها جانب تخطی کننده را ملزم می نمایند تا به منزل متضرر رفته و اظهار ندامت و پشیمانی نماید که این عمل به نام ننوات یا عذر خواهی خوانده می شود و به انواع گوناگون اجرا میشود قابل یاد آور است که کتاب راهنمای حقوق خانواده در افغانستان از انتشارات ان ارسی یا هیأت ناروی برای مهاجرین در این مورد ذیلا می نگارد: "در موارد قتل عمد و یا غیر عمد ممکن است از تخطی کننده خواسته شود تا در انتقال میت (مرده مقتول) کمک نماید و یا حتی بطور نمادین در قبر وی لحظه ای دراز بکشد. ذبح نمودن گوسفند در پیش خانه شخص مقتول و یا در دروازه مسجد محل به عنوان بخشی از ننواتی اجرا شده است و این امر نماد نهایت تضرع برای عفو به شمار می آید. همچنین تخطی را ملزم به پرداخت پور برای قربانی می نماید.

مقدار پور عموماً بسته به شدت جرم تعیین می گردد. پور بعضی اوقات پول نقد می باشد اما اغلب شامل طبقه مونت خانواده است. بویژه دختران خورد سالی که غالباً کوچکتر از سن قانونی ازدواج اند در حقیقت از یک ساله الی دوازده ساله مد نظر است. که این نوع بد یا پور پر ارزشترین نوع پور محسوب شده اند. دختران نسبت به پول نقد ترجیح داده می شوند این فیصله های غیر شرعی را به این عقیده می کنند که شاید پس از ازدواج دختر با یک از بستگان خانواده مقتول، به وسیله این عصمت و خون مشترک دشمنی را به دوستی مبدل سازد.

همچنان ممکن است جرگه در بعضی اوقات تصمیم دیگری بگیرد که خانواده مقتول متقابلاً یکی از دختران خود را به ازدواج یکی از بستگان فرد متخطی در آورند تا مصالحه محکم تر گردد.

ولی متأسفانه غافل اند از اینکه دختران زیر سن قانونی ازدواج که بر خلاف میل و خواسته شان به بد داده می شود و بی اطلاع از عواقب و آینده دختر در خانواده مقتول که چگونه زندگی خواهد کرد. و از طرفی هم بسی خسر از حقوق و امتیازات مادی و معنوی دختران و زنان و بسی اطلاع از خشونت های که خانواده مقتول علیه دختر به بد داده شده در آینده روا خواهند داشت، از جهت دیگر در نظر نگرفتن تفاوت سنی بین دختر به بد داده شده و مردیکه با وی نکاح شده است همه و همه از جمله عواقب و پیامد های ناگواریست که باعث خشونت در خانواده شده و در آینده نه چندان دور حیات ان دختران و زنان را تیره می سازد.

هنگامی که احکام وضع کرد مگر لازم ده چه حکم وضع کوونکی کاملاً مجتهد او

دویم: هغه جوانب دی چه د هدف یسی د اجتهاد شروط یی پوره کری وی په ثابت مگر د زمان او مکان په تغیر سره پکی

تغیر راخی د داسی جوانبو لپاره اسلامی شریعت عام قواعد تشریح کری او ثابت جانب یی محفوظ پاتی کیبری او تغیر قبلونکی جوانب یی مجتهد ته د اجتهاد

لپاره پرینبودل کیبری تر خو د وخت او احوالو سره سم د اصولو په چوکات کی

مطلوبه قضایا حل کری او د دولت په لحاظ اقتصادی پروگرام، تعلیمی او اداری

سیستم جوړونه د قوانینو طی مراحل او تصویبول او داسی نور. د بیلکه په توگه

اسلامی شریعت د اقتصادی نظام په هکله ثابت اصول او قواعد جوړ کری، سود؛

احتکار په غلطه د بل شخص مال خوړل یی حرام کړیدی زکات یی واجب گرځولی

ده او د مصرف کولو موارد یی هم په کوته نلری لکه زراعت او صنعت او داسی

کړی دی. د نوری عصر او تکنالوژی د پرمختک سره

سم اقتصادی طرحی جوړول او بین المللی موسساتو د تعامل لاری چاری لټول دا هغه

دندی دی چه مجتهد او مقنن ته د شرعی اصولو مطابق سپارل شویدی یو پوه عالم

وایی: باید ټول هغه احکام او قواعد چه وضعی نظامونو لپاره وضع شوی د قران او

احادیثو څخه ویستلی او اوخیستل شی. پکی تر پامه ونه غورځول شی او هغه د

هر هغه معاملات چسی د نوری تکنالوژی په نتیجه کی منځ ته راخی د قیاس له لاری یا

د اصولی قواعدو په رڼا کی کولای شو د نبوی مادیاتو ته د عذاب موجب گرځی



# Monthly Agahi Hoquqi

Ministry of Justice's Publication Organ



صاحب امتیاز: وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان  
تحت نظر: هیئت تحریر  
سر دبیر: درانه فضالی  
هیأت تحریر: عبدالرحمن عظیمی، فیض الله خواجه امینی، گلای سنگر خیل عزیزی، دوست محمد عارف، شفیق الله نبی زاده و محمد عارف صباح  
دیرایز: سید عابد مخمور sayed\_abdul@yahoo.com  
گزارشگر: بشیر احمد عزیزی  
آدرس: کابل وزارت عدلیه ریاست عمومی مساعدتهای حقوقی  
آدرس انترنی: www.moj.gov.af پست الکترونیکی: agahi.hoqqqi@gmail.com  
شماره تماس: 93+(0) 700 034 338 - 93+(0) 0752 042 275

سال نهم \* شماره ۱۴۹ \* ۳۰ عقرب ۱۳۹۴ \* 2۰ \* 2015 \* NOVEMBER

## تدویر کنفرانس دسترسی به عدالت

نگار شگر بشیر احمد عزیزی



روز دوشنبه مورخ ۱۸ عقرب ۱۳۹۴ مطابق ۹ نوامبر ۲۰۱۵ از طرف ریاست عمومی مساعدت های حقوقی وزارت عدلیه به همکاری مالی ماموریت پولیس اتحادیه اروپا کنفرانس یک روزه تحت عنوان دسترسی به عدالت در تالار کنفرانس های اکادمی پولیس واقع بولی نخنیک کابل با اشتراک نمایندگان ارگانهای عدلی و قضایی، ستره محکمه، لوی خارنوالی، انجمن مستقل و کلای مدافع، اکادمی پولیس، نمایندگان دفتر آی دی لو، پولیس اتحادیه اروپا و غیره موسسات دولتی و غیردولتی دایر گردید. نخست محفل با تلاوت کلام الله مجید توسط یک تن از اشتراک کنندگان آغاز، و بعد محترم اسدالله وحدت رئیس عمومی مساعدت های حقوقی به اشتراک کنندگان کنفرانس خوش آمدید گفته و تدویر همچون کنفرانس ها را با اهمیت خوانده که باعث ایجاد هماهنگی بین ادارات پولیس، قضات، و کلای مدافع و خارنوالان گردیده و همچنان نقش و کیل مدافع و یامساعد حقوقی را در تاسمین عدالت و یامحاکمه عادلانه ارزنده خواند و از نمایندگان ادارات عدلی قضایی که در محفل مذکور اشتراک داشتند خواست تا در قسمت و متهمین بی بضاعت که یکی از مهترین عناصر محاکمه عادلانه است توجه جدی نمایند که متاسفانه در کشور ما به این امر مهم آنقدر توجه صورت نمیگیرد که باعث مشکلات هموطنان عزیز میشود، مفصل صحبت نمود. همچنان در این کنفرانس محترم جنرال حل قومندان اکادمی پولیس، اسدالله وحدت رئیس عمومی مساعدت های حقوقی، محترم محمد شاهد آریا امر مساعدت های حقوقی کابل، محترم علی رضاروحانی، معاون بورد مستقل مساعدت های حقوقی، محترم عبدالرحمان عظیمی آمر آگاهی عامه حقوقی، محترم در رابطه محترم نجالا راحل نماینده انجمن مستقل و کلای مدافع افغانستان و نماینده کمیسیون حقوق بشر افغانستان هر کدام از نمایندگان ستره محکمه، لوی خارنوالی، انجمن مستقل و کلای مدافع، پولیس، موسسات، بنوبه خود به نقش و کیل مدافع و یامساعد حقوقی که از حقوق مظنون و متهم در جریان محاکماتی دفاع و مشوره های حقوقی به موکل خود میدهد تا عدالت تامین شود صحبت نمودند. بین وکیل مدافع برای مظنوبین

### نقش عرف ناپسند در اجتماع

تبع و نگارش: شفیق الله سزاده

در ضمن به اشتراک کنندگان یک تعداد اوراق تبلیغاتی از قبیل بروشورها، پوسرها، بوکلیت ها، مجموع مقالات حقوقی و کتاب رهنمود آموزشی دسترسی به عدالت اطلس از طرف مدیریت عمومی تبلیغات و نشرات حقوقی آمریت آگاهی عامه حقوقی این ریاست توزیع گردید. به تعقیب محترم محمد شاهد آریا امر مساعدت های حقوقی ریاست عمومی مساعدت های حقوقی وزارت عدلیه کتاب رهنمود آموزشی دسترسی به عدالت اطلس را به اشتراک کنندگان معرفی نمود. در اخیر محترم عبدالرحمن عظیمی آمر آگاهی عامه حقوقی مطابق آجتدا در رابطه به موضوع کنفرانس صحبت نمود که تاکید کرد تا اینکه سطح دانش حقوقی مردم بالا نرود و آگاهی دهی از حقوقی و جایب شان صورت نگیرد به هیچ وجه قانون در کشور حاکم نخواهد شد. همچنان از حوصله مندی اشتراک کنندگان اظهار تشکر نمود.

### د بشری ژوندانه اړخونه

تبع و نگارش: "عارف صباح"

واضحه خبره ده چی انسان او بشریت یو اجتماعی و لومړی: هغه ثابت جوانب چه د انسان ذاتی حقیقت مدنی الطبع مخلوق د خدای ج (ده پدی اساس د پوری اړه لری او د احوالو په تغیر سره پکی هېڅ ډول تغیر نه راځی او اسلامی شریعت پدی هکله دقیق او انسان او بشریت ژوند په دری بر خو ویشو. واضح حکمونه بیان کړی دی. ادامه در ص/۳

عدت در طلاق یا فسخ برای منکوحه آیه یا منکوحه ایکه به سن بلوغ رسیده و حیض نگردیده سه ماه کامل می باشد